



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# اسلام و ارضاء غریزه جنسی

محمد رضا امین زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اسلام و ارضاء غریزه جنسی

نویسنده:

محمد رضا امین زاده

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	اسلام و ارضاء غریزه جنسی
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	پیشگفتار
۱۶	نگاه استقلالی یا ابزاری به غریزه جنسی
۱۶	نگاه استقلالی به غریزه جنسی
۱۸	نگاه ابزاری به غریزه جنسی
۲۲	غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۱
۲۸	غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۲
۳۲	غریزه جنسی و شخصیت انسانی
۳۸	غریزه جنسی و فرهنگ
۴۴	غریزه جنسی و جامعه و دولت
۵۲	اهمیت ازدواج دائم
۵۸	ازدواج مؤجل و مقام انسانی
۶۲	ازدواج مؤجل و مردم
۶۷	فهرست
۶۸	درباره مرکز

سرشناسه: امین زاده، محمدرضا، - ۱۳۳۵

عنوان و نام پدید آور: اسلام و ارضاء غریزه جنسی / محمدرضا امین زاده

مشخصات نشر: قم: موسسه در راه حق، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری: [۶۲] ص

شابک: ۹۶۴-۶۴۲۵-۰۴-۲۰۰۰-۰۴۰۰ ریال

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

موضوع: اسلام و مسائل جنسی

موضوع: امور جنسی -- جوانان -- اخلاق

موضوع: زناشوئی (اسلام)

شناسه افزوده: موسسه در راه حق

رده بندی کنگره: BP۲۵۳/۲/الف ۷۶ الف ۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۸-۶۹۷۸

ص: ۱

اشاره



اسلام و ارضاء غريزه جنسى

محمد رضا امين زاده

ص: ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

در میان خواسته ها و غرایز موجود در نفس بشری، غریزه جنسی از نمود و ظهور خاصی برخوردار است.

و مانند دیگر غرایز خواست طبیعی خویش را طلب می کند. این خواستی تکوینی و خارج از دایره اراده و اختیار است.

این غریزه همانطور که در حیوان ها هست در انسان نیز هست ولکن بین وجود غریزه جنسی در انسان و حیوان تفاوتی است که به لحاظ آن تفاوتها نوع و روش ارضاء و پاسخگویی به خواست جنسی در آدمی و حیوان فرق می کند.

اولاً: غریزه جنسی در حیوان به عنوان حیوان از استقلال برخوردار است، و به همین جهت در ارضاء آن ضابطه خاصی غیر از جهات تکوینی وجود ندارد. ولی غریزه جنسی در انسان در جنب خواسته های انسانی قرار گرفته، و به همین جهت در ارضاء آن باید خواسته های انسانی مورد توجه قرار گیرد. خواست انسانی به عنوان خواستی برتر در نحوه ارضاء و برآوردن خواست غریزه جنسی دخالت می کند. مگر این که خواست انسانی را نادیده گرفته و نظر تنها به همان بُعد حیوانی باشد.

ثانیاً: ظهور فعلی و ارضاء غریزه در حیوان خالی از ارزش مثبت و منفی

است، در صورتی که ظهور فعلی و نحوه ارضاء غریزه در انسان همراه با ارزش مثبت و منفی است. و به حُسن و قبح توصیف می شود. و مؤثر در این حُسن و قبح کیفیت ارضاء است.

ثالثاً: جهت غریزه جنسی در حیوان تنها جهت تکوینی بوده و آن بقاء نوع است، ولی در انسان جهت بقاء نوع به تنهایی مورد نظر نیست. بل خواست واقعی انسان و جود نسل سالم و پاک است. زیرا زمان، مکان، حالات خاص اخلاقی و روحی در جهت پیدا کردن غریزه جنسی و کیفیت مثبت و منفی پیدایش نسل مؤثر است.

رابعاً: ارضاء غریزه جنسی در انسان همراه با اراده و تفکر است ولی در حیوان اگر احیاناً همراه با اراده ضعیف باشد ولی خالی از نحوه تفکر است.

شاخص ترین تفاوت بین غریزه جنسی در حیوان و غریزه جنسی در انسان همان تفاوت اولی است، و دیگر تفاوتها فرع بر آن است.

این تفاوتها ایجاب می کند که انسان روش خاصی را در ارضاء غریزه اعمال کند. روشی که در چار چوب ضوابط انسانی قرار گیرد. و در این ضوابط مقام و شأن انسانی، و پیدایش نسل پاک به طور کامل مراعات شود.

برآوردن خواست غریزه جنسی از هر راه ممکن، نادیده گرفتن ضوابط انسانی و موارد فوق است. و چنین روشی شایسته انسان به عنوان انسان نیست. به هر حال این غریزه بی باکانه خواهان ارضاء اش هست و این حق طبیعی اوست اما با حفظ منزلت و شأن انسانی. زیرا در جنب خواسته های عقلانی قرار گرفته و ناهماهنگی اش با بعد انسانی و خواسته های عقلانی سبب

سقوط شرف و عزت انسانی، ظهور فعلی رذیلت و پیدایش نسلی بدسیرت می گردد.

جامعه غرب که نظریه فروید و افرادی چون او را در آزادی بی قید و شرط شهوترانی پذیرفته است، شاهد پی آمدهای منفی آن هست و آمار فاجعه های شهوانی در روزنامه، و رسانه ها و نوع روابط ناهنجار دختران و پسران و مرد و زن و... شواهد گویای این مطلب است. اگر بر فرض از وجود فرزندان نامشروع، بی سرپرست، نوزادان پیداشده در زباله دانه‌ها، توالی ها، کورتاژها، قتلها و ضایعه های دیگر اخلاقی و انسانی آزادی جنسی، چشم پوشی کنیم و همه را فراموش شده بگیریم، اما با این فاجعه بزرگ (که نابودی شخصیت انسانی زن و تبدیل او به توپ شهوانی که هر لحظه مورد حمله چشمها، لمسها و قوه شهوانی مردان شهوت ران است) چه کنیم؟!

برای حلّ ارضاء غریزه جنسی یا باید به روش فوق روی آورد. چنان که متأسفانه دنیای غرب آشکارا و برخی از جوامع آشکار و پنهان و بعضی احیاناً پنهانی به آن روی آورده اند! و یا باید به روشی که اسلام بیان کننده آن هست، تمسک جست. و آن تن دادن به ازدواج دائم و در صورت عدم تمکن بر آن، به ازدواج مدّت دار (با توجه به ضوابط و شرایط شرعی و رعایت جوانب اخلاقی) رضایت دادن است.

راه سوم هر چه باشد، نابود کننده ارزشهای انسانی، پیدایش نسلی ناپاک و رذل و نفی فضیلت است.

البته انتخاب راه درست به برنامه ریزی و رعایت بسیاری از اصول و قوانین

فقهی و اخلاقی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی نیاز دارد.

جوامع بشری به لحاظ وجود سنتهای غلط، پیچیدگیهای اقتصادی و مالی، وسواسهای افراطی، نادیده گرفتن ارزشهای انسانی درمسأله ازدواج، جهل به اهداف حیات انسانی و یانادیده گرفتن آن اهداف به لحاظ جوّ و شرایط نامناسب فرهنگی و وجود پیش شرطهای سخت در ازدواج و خواستگاری، اختلاط مرد و زن بدون ضابطه و قانون صحیح، گرایش به فرهنگهای تخیلی و... راه ارضاء شرافتمندانه غریزه جنسی را به روی خود بسته اند. و آنگاه با نهایت عجز به هرج و مرج جنسی تن داده و وضع را به جایی رسانده که در برخی از کشورها به قانونی کردن عمل منافی عفت رضایت داده اند!

آیا اینست نتیجه پیشرفت علم و دانش بشر؟!

آیا اینست تمدن بشری که به مردم نوید می دهند؟!

آیا اینست فرآورده اندیشه و تفکر انسان قرن حاضر؟!

آیا اینست معنای حفظ شرف، آزادی و عظمت انسانی؟!

.....

اُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

و چه زیباست که اندیشه و قلم برخی افراد (به جای ترویج از آنچه در غرب می گذرد) در راه حلّ صحیح ارضاء غریزه جنسی بکار گرفته شود. و بر مسئولان نظام جمهوری اسلامی است که با برنامه ریزی دقیق فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، مالی سنتهای غلط را از جلوی احیاء النکاح سنتی و مَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي بردارند. و با رعایت دقیق ضوابط فقهی، قانونی و اخلاقی

ص: ۸

ازدواج دائم و در صورت عدم امکان آن ازدواج مدّت دار را با برنامه صحیح فقهی و اخلاقی آن ترویج کنند.

و بر مسئولان فرهنگی است که با همکاری دیگر نیروهای مؤثر در جامعه با برنامه ریزی دقیق اخلاقی و تربیتی دور از نگرشها و گرایشهای غربی در شعاع فرهنگ دینی و اسلامی نه تنها به حلّ صحیح ارضاء غریزه جنسی پردازند، بل دیگر غرایز را به سمت صحیح و درست انسانی هدایت کنند.

ص: ۹



غرایز و شهوات آدمی با جلوه گری های گوناگون در پی ارضاء بوده و هر کدام خواست خویش را طلب می کنند، و در آنجا که غریزه و خواست شهوی قوی تر باشد، سلطه خویش را بر دیگر خواسته ها گسترانده و آنها را به خدمت درمی آورد. و این قانونی طبیعی و تکوینی است. این قانون طبیعی و تکوینی که بر بُعد حیوانی انسانها تکیه دارد پدید آورنده اصل و قاعده ای در ارتباط با ارضاء غرایز و خواسته های شهوی است. و آن نظر استقلالی به آنها داشتن و هر کدام را در ارضاء از هر طریق ممکن رها و آزاد گذاشتن است.

با توجه به آن قانون و این اصل هیچ کسی حق تعرض به غیر و یا اعتراض و انتقاد و اشکال گیری به نحوه برآوردن غرایز ندارد. چنان که نمی تواند معترض باشد که چرا غریزه خاص «ب» را بر دیگر غرایز مقدم داشته ای. زیرا پاسخ می شنود که چنین نتیجه ای لازمه نظر استقلالی است.

دیدنی که اصل نظر استقلالی به غرایز و شهوات در انسان ایجاد می کند، این



است که هر گزینه ای وجودی برای خود بوده و خواهان رسیدن به مطلوبی است که از قبل برایش مشخص شده است.

و آدمیان در شعاع چنین دیدی هر اندیشه، عمل و راهی که به مطلوب غریزی منتهی شود جایز می شمارند.

گزینه جنسی هر چند از ابتداء دارای تحوّل و ظهور است و در مراحل مختلف به گونه هایی ضعیف و احیاناً قوی جلوه می کند امّا رشد تدریجی سبب می شود که در مرحله ای از سن با تمام توان و قدرت ظهور فعلی اش را اعلام کند. و بنا بر نظر استقلالی راه خاصی را برای ارضاءش نمی شناسد. هر عامل و وسیله ای که به آرامش جنسی بیانجامد، جایز شمرده و خوب می داند.

چشم چرانی، علاقه شهوانی به همجنس، تماس جنسی خارج از دایره ازدواج دائم و موقت، خود ارضایی، میل و گرایش به عکسهای سکس، فیلمهای محرّک شهوت، لذّت بردن از لباسهای خاص شهوت انگیز و... معلول نظر استقلالی به گزینه جنسی و آن را وجودی برای خود دانستن است.

آزادیهای شهوانی و رهایی پسران و دختران در ارتباط با یکدیگر، شکستن محدودیتها در ارضاء گزینه، ستیز با ضوابط عقلی و دینی و... در دنیای معاصر از همین اصل و نتیجه آن ناشی شده است.

این نظر استقلالی کاملاً معلول دید حیوانی، دنیوی و نادیده گرفتن مرتبه انسانی بشر است. همین نگاه باعث شده که برخی به خود اجازه دهند، مسائلی مانند، دین، اخلاق و وجدان اخلاقی را در جلوه های گوناگون مادّیت تفسیر اقتصادی، جنسی، شهوی و... کنند.

آری در صورت نفی حقیقت انسانی است که هر انسانی به خود این اجازه را می دهد که از هر طریق ممکن به خواسته غریزی خود برسد. و چنین شخصی خود را چندان موظف به رعایت اصول انسانی و ضوابط حقوقی و قوانین نمی بیند مگر این که آنها را موافق با خواست شهوی خود بیاید.

### نگاه ابزاری به غریزه جنسی

آنچه ما را در مقابل نظر استقلال‌ی به غرایز از جمله غریزه جنسی قرار می دهد اصل مقایسه و سنجش بین مراتب وجودی نفس آدمی، استعدادها و غرایز است. این اصل با توجه به قاعده ای عقلی به ارزیابی و تعیین ارزش واقعی مراتب نفس و میلها و گرایشها پرداخته است.

قاعده عقلی اینست: هر موجودی که از ارزش وجودی و کمال برتر برخوردار باشد به خدمت موجودی که مرتبه و کمالی نازل دارد، در نمی آید. بل آنچه در مرتبه نازل است برای کسب ارزش برتر به خدمت مرتبه عالی در می آید.

قاعده فوق سنتی الهی حاکم بر مراتب هستی و نظام آفرینش است.

مقایسه و سنجش بین مراتب وجودی انسان و غرایز در شعاع قاعده عقلی فوق، این است که مرتبه جسمانی و حیوانی با تمام استعدادها و غرایز، ابزاری برای بُعد انسانی هستند و اصل اولی نظر استقلال‌ی به مرتبه انسانی و نظر ابزاری و وسیله ای به دیگر مراتب باید باشد، مگر آن که افرادی چون ماتریالیست ها منکر وجود معنوی عقلانی و مرتبه انسانی باشند.

مرتبه انسانی علاوه بر این که شرافت وجودی بر دیگر استعدادها، غرایز و

بعد حیوانی دارد از فطرت‌هایی برخوردار است که با ظهور فعلی اش معرّف و شناساننده انسان به عنوان انسان است. فطرت حقیقت طلبی، کمال خواهی، خداجویی و فطرت عقلانی، عزّت خواهی در شعاع فضایل، فوق‌غریزه خوردن، خوابیدن، راحت طلبی دنیوی، غریزه جنسی و هر شهوت حیوانی است.

با توجه به این مقایسه و سنجش، اصل اصیل درباره‌ی غرایز در مرتبه حیوانی و خواسته‌های جسمانی این است که اینها وجودی برای رشد انسانی و ابزاری برای خواسته‌های انسانی هستند.

و برای این که غریزه جنسی و دیگر میلها و کششها در بُعد طبیعی و حیوانی قابلیت ابزاری برای رشد انسانی و کسب صفات برجسته اخلاقی پیداکنند، بدون تردید باید به اصلاح در آیند به این معنا که به خواسته طبیعی آنها در دایره عقل و شرع پاسخ داده شود؛ در غیر این صورت، خروجشان از دایره پیامهای عقل و شرع به هر اندازه‌ای که باشد، ضربه‌ای بر پیکره شرافت و عظمت انسانی خواهد بود. زیرا راه ورود شیطان و وسوسه‌های شیطانی از طریق رها ساختن شهوات و تمایلات نفسانی است.

از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیهما السلام) انسانی که بانسستن بر براق عقل و شرع به تمام کمالهای انسانی و فضایل اخلاقی نایل شده، فرموده:

أَلْعَاقِلُ مَنْ عَصَى هَوَاهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ (۱): عاقل کسی است که خواهش نفسانی اش (آنجا که مخالف با خواست پروردگار است) نافرمانی کند. و به اطاعت پروردگار مشغول شود.

ص: ۱۴

إِمْلِكْ عَلَيْكَ هَوَاكَ: (۱) هوای خودت را مالک شو. (آن را اصلاح کن و در دایره عقل و شرع قرار ده).

گرایشهای شهوانی، از حیطة اراده و اختیار خارجند، و لکن هدایت و جهت دادن به آنها و نحوه بکارگیری آنها داخل در کیفیت اراده و اختیار است. از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: مَنْ عَشِقَ فَكَنَّمْ وَعَفَّ فَمَاتَ، مات شهیداً کسی که عاشق شود، پس آن را پنهان کرده و عفت پیشه کند، و در این حالت بمیرد، شهید از دنیا رفته است. (۲).

حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: آن را کتمان کن و از این که تو را در دام تجاوز از ضوابط انسانی و شرعی بیندازد، جلوی آن را بگیر، تا ثواب شهید را داشته باشی. یعنی جهت دادن به خواهش نفسانی تو را تا مرحله ثواب و ارزش شهید و شهادت به پیش می برد، و دیدگان شخص را به جمال حق می گشاید.

نگاه استقلالی به خواهش جنسی و خارج ساختن آن از دایره عقل و دین هر چند لذات شهوانی را به همراه دارد اما به قیمت خسران و زیان مرتبه انسانی و از دست دادن فضیلت تمام می شود.

ص: ۱۵

---

۱- (۱) - شرح غرر، ج ۲، ص ۱۹۹، شماره ۲۳۶۶.

۲- (۲) - کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷۲، شماره ۷۰۰۰.



## غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۱

غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۱

اصل مقایسه و سنجش بین غریزه جنسی و خواسته های انسانی، نگاه استقلالی به غریزه جنسی را نفی کرده و آن را ابزاری برای کمال انسان به عنوان انسان قرار می دهد.

با توجه به این اصل باید ملاحظه شود که خواسته انسانی بشر از غریزه جنسی چیست، و چه بهره ای را از آن طلب می کند.

بهره حیوانی آدمیان از غریزه جنسی واضح و روشن است:

الف: التذاذ شهوی.

ب: بقاء نوع.

ج: و در نهایت آرامش جنسی.

برای رسیدن به بهره حیوانی غریزه جنسی نیاز به قانون و ضوابط فوق عواطف و احساسات حیوانی نیست. در اینجا سخنی از ارزشهای مثبت و منفی اخلاقی، حلال و حرام نیست. آنچه مورد نظر است رسیدن به خواهش نفس از

ص: ۱۷

هر راه ممکن می باشد.

پیدایش نسلی ناپاک، دارای قساوت قلب و مایل به صفات زشت و نیز وجود فحشاء و اعمال منافی عفت و ناپدید شدن فضایل انسانی معلول اینست که انسان به بهره حیوانی غریزه جنسی اکتفا کرده است.

اسلام، براساس اصل و ابزاری بودن غریزه جنسی برای انسان به عنوان انسان، در یک جمله فرمود: **فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...: ۱** پس با زنان پاک ازدواج کنید.

و قوانین فقهی و مسائل عالی اخلاقی و آداب انسانی نکاح در قرآن و سنت بیان شده است.

وجود غریزه جنسی برای انسان به عنوان انسان سبب شده که قرآن مجید در سوره نور آیه ۳۳ بفرماید: **وَلَيْسَ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...: ۳۳** آنان که وسیله (وامکانات لازم) ازدواج راندارند، باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی نیاز سازد.

کلمه «وَلَيْسَ تَعْفِفِ» ظهور کامل دارد در این که تنها راه ارضاء غریزه جنسی ازدواج است. خروج ارضاء از دایره ازدواج خلاف عفت است که خواسته انسانی می باشد. برای تأمین این خواسته انسانی (عفت) تنها نکاح وسیله رسیدن به خواست جنسی معرفی شده است.

و کلمه «نکاح» اعم از ازدواج دائم و مدت دار است، هر چند معنایی که به ذهن شتاب می گیرد، همان ازدواج دائم است.

شخصی که توانایی بر نکاح دائم ندارد شاید توانایی بر نکاح مدّت دار را داشته باشد و زمانی هم ممکن است، براساس شرایط محیطی، زمانی، اقتصادی و... دسترسی به ازدواج مدّت دار را نیز پیدا نکند. دست نیافتن مجوّزی بر تجاوز از حدود مصالح انسانی، قوانین شرعی و عقلی نیست. باید عفت را که اساس و سرمنشأ هر خیر است (۱) پیشه کند.

بهره انسانی غریزه جنسی

بهره انسانی بردن از غریزه جنسی در شعاع هماهنگی آن با خواسته های عقلانی و ذات واقعیت گرایی انسان است. آن چه عقل طلب می کند، همان سعادت همیشگی و جاوید است؛ و آنچه واقعیت گرایی انسان خواهانش هست، رؤیت مشاهده و قرب حقّ می باشد؛ به همین جهت خواسته او از خدای متعال این است که عرض می کند: وَلَا تَحْبُبْ مُشْتَاكِيكَ عَنِ النَّظْرِ اِلَى جَمِيْلِ رُوَيْتِكَ: (۲) (معبودم) نظر به زیبایی رؤیت و دیدارت را بر شیفتگان در بیغ مدار.

غریزه جنسی نه تنها مانع سعادت جاوید و دیدار حق نباید باشد، بل باید وسیله و ابزار برای آن قرار گیرد. و آن در صورتی است که بهره حیوانی آن (التذاذ شهوی، بقاء نوع، آرامش جنسی) در دایره قوانین عقلی و شرعی باشد، و در شعاع عقل و شرع رنگ انسانی بگیرد.

زن و شوهر (دائم یا مدّت دار) که از یکدیگر التذاذ شهوانی می برند و آرامش جنسی را بدست می آورند، از فضل و رحمت خدا نیز برخوردار می شوند؛ زیرا

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - العفّة رأس کلّ خیر، شرح غرر، ج ۱، ص ۳۰۶، شماره ۱۱۶۸.

۲- (۲) - جمله ای مناجات الخائفین است که در مفاتیح الجنان محدّث قمی نقل شده است.



نفس خویش را از فساد جنسی باز داشته اند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ازدواج عفت چشم و مواضع تحریکات شهوانی را به بهترین وجه حفظ می کند و از هر وسیله ای برای بازداشتن نفس از فساد جنسی نافذتر و شرافتمندانه تر است! (۱)

\* بیان دو نکته:

۱ - نهی ها و منع ها و نکوهشهای اسلام از شهوات و خواهشهای نفسانی در آن موردی است که بخواهند از دایره شرافت خارج شده و راه سعادت را به روی انسان ببندند. گاهی انسان متوجه این که چه چیز به او زیان می رساند، نیست، یا از این جهت، که نمی داند، و یا می داند ولی غفلت می کند و یا این که غافل نیست، اما شرایط محیطی و غریزی بر او حاکم شده اند، و اراده اش در برخورد با خواهش نفسانی که از دایره عقل و دین خارج شده، بسیار ضعیف شده و توجه به خسران را از او گرفته و به همین جهت سخن دین گاهی برای آگاهانیدن است، مرتبه ای برای تذکر و التفات دادن و زمانی نیز برای بالا آوردن همت و قوی ساختن اراده و ضعف شهوت است.

به روایات زیر (نقل شده) از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نظر کنید:

الْإِنْقِيَادُ لِلشَّهْوَةِ أَدْوَى الدَّاءِ (۲): فرمان برداری خواهش نفس دردناکترین دردها است.

الشَّهَوَاتُ آفَاتٌ قَاتِلَاتٌ وَخَيْرُ دَوَائِهَا اقْتِنَاءُ البَصْرِ عَنْهَا: (۳)

ص: ۲۰

---

۱- (۱) - مستدرک الوسائل ابواب نکاح، باب ۲، روایت ۱.

۲- (۲) - شرح غرر، ج ۱، ص ۳۸۰، ش ۱۴۵۸.

۳- (۳) - شرح غرر، ج ۵، ص ۸۸ شماره ۷۹۲۰.

الْجَاهِلُ عَبْدُ شَهْوَتِهِ: (۱) جاهل بنده خواهشهای خویش است.

لحن و کیفیت بیان به گونه ایست که ظهور در شناساندن خواهشهای نفسانی دارد و می خواهد شخص را برزیان و عاقبت ناگوار آن آگاه گرداند.

ذات خواهشهای شهوی همراه با آفت نیست. اگر چنین بود امر به اصلاح آنها اشتباه بود. منقاد بودن و عیب بودن در برابر شهوات آفت است و این قبیل روایات تنبیه ناآگاه است.

لَيْسَ فِي الْمَعَاصِي أَشَدُّ مِنْ اتِّبَاعِ الشَّهْوَةِ فَلَا تُطِيعُوهَا فَيَشْغَلُكُمْ عَنِ اللَّهِ! (۲) در میان گناهان گناهی سخت تر از پیروی شهوت نیست پس خواهش نفس را فرمان برداری نکنید پس شما را مشغول می کند.

طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّينَ (۳) فرمانبرداری از خواهش نفس دین را فاسد می کند.

ظَفَرَ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى مَنْ اغْرَضَ عَنِ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا (۴): کسی که از خواهشهای نفسانی روی بگرداند به منزلگاه بهشت کامیاب می شود.

گفتار فوق، انسان به خواب رفته و بی توجه (به زیانهای شهوات) را بیدار می کند، تا شخص فرو رفته در خواهش نفس را (که از خدا، دین و از جایگاه انسانی اش - بهشت - غفلت کرده)، به خواسته های انسانی و اصالت داشتن آنها متوجه گرداند.

طَهَّرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ دَنَسِ الشَّهَوَاتِ تُدْرِكُوا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ. (۵): نفسهای خویش

ص: ۲۱

۱- (۱) - شرح غرر، ج ۱، ص ۱۲۳، ش ۴۴۹.

۲- (۲) - شرح غرر، ج ۵، ص ۸۸، شماره ۷۹۲۰.

۳- (۳) - شرح غرر، ج ۴، ص ۲۴۹، شماره ۵۹۸۵.

۴- (۴) - شرح غرر، ج ۴، ص ۲۷۷، شماره ۶۰۶۵.

۵- (۵) - شرح غرر، ج ۴، ص ۲۵۷، شماره ۶۰۲۰.

را از پلیدیها و ناپاکیهای خواهشها پاک گردانید تا مراتب بلند (انسانی و معنوی) را دریابید.

إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحْيَى عَقْلَهُ وَأَمَاتَ شَهْوَتَهُ وَاتَّبَعَ نَفْسَهُ بِصَلَاحٍ آخِرَتِهِ (۱): افزونترین مردم (در کمال) نزد خدا کسی است که عقلش را زنده کرده باشد. و خواهش نفس را میرانده باشد. و برای به صلاح آوردن آخرت خود نفس خویش را به رنج انداخته باشد.

الْعَاقِلُ مَنْ أَمَاتَ شَهْوَتَهُ (۲): عاقل کسی است که خواهش نفس را (که زیان رساننده است) بمیراند.

انسانی که طهارت نفس، رسیدن به درجات بلند انسانی، احیاء عقل و مرگ تجاوز شهوانی را تلقین کند. به شخصیت انسانی خویش دست می یابد، و فرد دارای شخصیت انسانی، مغلوب غریزه نمی شود. و با این روش عنوان «برترین مردم نزد خدا» رابه خود اختصاص می دهد.

۲- قرار گرفتن خواهش جنسی و هر خواسته شهوی دیگر در دایره بُعد انسانی، لازمه اش حصر و محدودیت ارضاء آنها در دایره پیام عقل و وحی است؛ و البته این سؤال را در ذهن ایجاد می کند که محصور ساختن غرایز و در برخی مواقع و شرایط، صبر کردن و به خواهش غرایز پاسخ ندادن آیا عقده های روانی و اثرات منفی روحی مانند: افسردگی، اضطراب، سرکوفتگی اجتماعی و... را پدید نمی آورد؟

در قسمت بعد پاسخ سؤال فوق را ملاحظه کنید.

ص: ۲۲

۱- (۱) - شرح غرر، ج ۲، ص ۵۶۳، تا شماره ۳۵۷۹.

۲- (۲) - شرح غرر، ج ۱، ص ۳۱۳، شماره ۱۱۹۴.

## غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۲

### غریزه جنسی و مرتبه انسانی ۲

پیام عقل و وحی برای حفظ سلامت جسمی و روحی انسان محصور ساختن غریزه است.

انسان به طور عادی و بدون توجه به عقل و دین محدود بودن را دوست ندارد؛ اگر بگوییم مردم و جامعه باید در این حصار حرکت کنند، افرادی که اهل فکر و اندیشه صحیح نیستند چنین حکم می کنند که محصور ساختن غرایز از آن جمله غریزه جنسی (که احیاناً حادثترین غریزه است) و صبر کردن بر این خواهش غریزی، عاملی در ایجاد عقده های روانی و اثرات منفی روحی مانند: افسردگی، اضطراب، کینه توزی و چه بسا سرکوفتگی اجتماعی و... می شود. و گاهی زبان به اعتراض می گشایند که چرا شرع مقدّس تنها راه ارضاء را از دواج (دائم یا مدّت دار) معرفی کرده و راههای دیگر (خودارضایی، چشم چرانی، رابطه با نامحرم و لذّت جنسی خارج از دایره اجازه شرع) را بر انسانها بسته است، چرا آنها را از بسیاری لذّات جنسی محروم کرده است؟

ص: ۲۳

باید توجه داشته باشیم که هر محدودیت و محصور بودن آثار منفی یاد شده را ندارد، زیرا چه بسیار محدودیتهایی که باعث حیات و نجات انسان می شود. پزشک حاذق گاهی تغذیه را محصور در ویتامینهای خاص، قرار می دهد، و نتیجه این محدودیت سلامت جسم است. پلیس، عابر پیاده را هدایت می کند که از جاهای خط کشیده شده خیابان عبور کنند و متوجه سبز و قرمز شدن چراغها باشند، این محدودیت برای حفظ جان افراد بوده و مورد قبول همگان است و... بنابراین حصر به نحو مطلق بد نیست، حصری که دارای منفعت باشد، مطلوب است، و اگر باعث محرومیت گردد بدون هیچ گونه نفع مادی و معنوی، زشت است. بنابراین محدود بودن عقده روانی را به وجود نمی آورد، چنان که محرومیت ناشی از چنین محصور بودنی سبب عقده و بیماری روانی نمی شود. زیرا انسان عاقل به آن خشنود است.

نتیجه این که اگر همانطور که عقل و دین می گوید نظر ما به گزینه جنسی، نظری ابزاری و وسیله ای باشد و براساس اعتقاد به شرافت انسانی با آن ارتباط داشته باشیم، هر چند گزینه، محصور در خواسته های انسانی و دستورات شرع و پیام عقل قرار می گیرد، لکن این حصر و محدودیت همراه با خشنودی و رضایت نفس می باشد بدان جهت که ابزاری برای پیدایش کمال انسانی بوده و شخص از آن بهره انسانی گرفته و از دیدگاه عالی عقلانی به آن می نگرد و رابطه ای الهی با آن دارد. در این نگاه شخص به جایی می رسد که محرومیت از لذات جنسی را ارزش می بیند و چشم پوشی از هر گونه لذت نفسانی خارج از دایره احکام الهی را عین لذت انسانی می نگرد.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت نخوانی

او خویشتن خویش را مصداق این آیه می بیند که: **وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۰۴) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۱۴) ۱.** و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد. به طور قطع بهشت جایگاه اوست.

در این نوع نگرش به غریزه جنسی هر چند انسان به عنوان مرتبه حیوانی اش از بسیاری خواهشهای شهوی (چشم چرانی، روابط منافی عفت و...) محروم است ولیکن در بُعد انسانی عقل از درک معارف حق، دل از محبت و عشق به حق و روح از تقرب به حق متلذذ است، و آن چنان جمال حق را در آغوش دل می گیرد که از آن مناجات خمس عشر، جوشن کبیر، دُعی کمیل و صباح و... می تراود و جان تشنه آدمی را (که هیچ جامی از جامهای دنیوی سیراب نمی کند) سیراب می کند.

و می گوید:

إِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مَنَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَتْوَايَ... (۱) کسی که با جان انسانی خویش چنین پیوندی با معبود و معشوق دارد با محدود شدن کدام غریزه دچار عقده خواهد شد. او خواسته انسانی را جانشین خواسته غریزی و شهوی قرار داده و از لذت برتر، جمال، محبت و عشق برتر برخوردار گشته است.

آری برای این انسان هر چند افسردگی، ترس، کینه و اضطراب از محدودیت خواهش نفس وجود ندارد، اما آن جا که دنیا مانع او از لقاء حق در مقام اندیشه و

ص: ۲۵

---

۱- (۲) - همانا تو آقا، مولا- و معتمد و امید منی و تونهایت مطلوب و آرزویم در دنیا و آخرتی... دُعی صباح از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام).

عمل شود، سخت رنج می برد و افسرده می گردد و آنانی که این ستم را بر او روا داشته اند، دوست نمی دارد. به همین جهت گاهی باتمام خشوع و خضوع چنین می نالد:

إِلَهِي هَذِهِ أَرْزَمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَ كَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ. فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى وَ بِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا...»(۱)

به هر حال حصر غریزه جنسی به وسیله عقل و دین نه تنها محرومیتی را در مرتبه انسانی به همراه ندارد که رافع محرومیت است. و اگر عقل و دین می گوید: باید چنین حصری وجود داشته باشد به خاطر آن است که در این محدودیت، در حقیقت رهایی و آزادیست. زیرا

(مَنْ لَمْ يُهَيِّدْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ)(۲) کسی که نفسش را (از هوا و خواهشهای بعد جسمانی و حیوانی) اصلاح نکند، از عقل (مقام و کمال انسانی را) سود نمی برد.

ص: ۲۶

---

۱- (۱) - معبودم، این مهارهای نفس من است که با پای بند مشیت و خواسته تو بسته ام. و این بارهای سنگین گناهان من است که در برابر گذشت و رحمت تو دور کردم و فرو گذاردم. و این هوسهای گمراه کننده من است که به آستان لطف و مهر تو سپردم، بار خدایا این بامدام را مقزردار که در پرتو هدایت و با سلامتی در دین و دنیا بر من نازل آید...

۲- (۲) - شرح غرر، ج ۵، ص ۴۱۱، شماره ۸۹۷۲.

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الواضِحَ وَرَدَّ الْمَاءَ وَمَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي النَّارِ: (۱)

ای مردم، هر که راه روشن و راست را به پیماید به آبادی می رسد (و از تشنگی می رهد) و هر که بی راهه برود در بیابان بی آب و گیاه فرود آید (از بی آبی جان سپارد).

(خلاصه هر که به دستور خدا و رسول رفتار نماید نیکبخت شود و هر که از شیطان و نفس اماره پیروی کند به عذاب مبتلی گردد).

گاهی انسان تشنه یافتن حق است و حرکت در طریق واضح او را به پرکه ای می رساند، که وجودش سیراب شده و خود را باز می یابد. و الا- در بیابان تحیر، شبهه و سرگردانی گرفتار شده، دچار ترس، اضطراب، افسردگی و ناهنجاریهای روحی می گردد.

انسان سیراب شده از آب زلال و گوارای معنویت که جوشان از عشق به الله



است، از گنדהای پراز مردار و آلوده به بافته های بی محتوای بشری (برآمده از لجن خواهشهای نفسانی و جهل به عمق وجودی آنچه هست) رو می گرداند، و تنها به فاطر و خالق آسمانها و زمین نظر می کند. و آنگاه که در مقابل پیروان خواهش نفس قرار می گیرد چنین می گوید: رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ : پروردگارا زندان برایم محبوب تر است، از آنچه (هوسبازان و دزدان عفت و حیا) مرا به آن فرا می خوانند. وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ : و اگر کید (حيله) اینان را از من نگردانی به (جلوه های فریبنده شهوانی) آنان مایل می گردم و آنگاه از جاهلین (بی خردان) خواهم بود. فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ، أَنَّهُ هُوَ السَّيِّعُ الْعَلِيمُ: (۱) پروردگارش دُعای او را به اجابت رساند و کید ایشان را (دعوت به گناه را) از او بگردانید. براستی خدا شنوای داناست.

یوسف (علیه السلام) خود را در چه مقام و شخصیتی می دید و چه نگاهی به خواهش جنسی و لذت شهوانی داشت، جایگاه خود را در نزد خدا چگونه ملاحظه می کرد، که زندان را بر راحت طلبی در کاخ عزیز مصر و رنج و درد ماندن در زندان را بر لذت جنسی برگزید، برای این که از جاهلین (بی خردان و بی اعتنایان به حکم خدای جهان) نباشد؟!

بنابراصل نظر استقلالی به گزینه جنسی و بُعد جسمانی، حضرت یوسف (علیه السلام) باید بهره جنسی را بپذیرد، و یک لحظه رنج را تحمل نکند، و در این صورت است که باید به خواست گزینه و کسی که لذت جنسی را از او

ص: ۲۸

طلب می کند، پاسخ مثبت دهد؛ اما بنابر اصل سنجش و مقایسه، دیدگاه عقلانی به شخصیت انسانی خود دارد؛ و نمی تواند آن را با چیزی که جنبه ایزاری دارد و بهره آن لحظه ای است، معاوضه کند؛ زیرا که از طریق واضح (راه راست) خارج شده و حقیقت خویش را در غیر جایگاه آن نشانده است، و چنین عملی عین جهل است. و او دوست ندارد از جاهلین باشد. جاهل واقعی آن کسی است که غیر واقع را به جای واقع می نشاند.

تمایلات نفسانی را برخواسته های انسانی ترجیح دادن و مقام انسانی را به خاطر خواهش حیوانی قربانی کردن جز جهل چیز دیگری نیست (۱)، اما مکر کنندگان آن را در لفافه اصطلاحهای زیبا، هنر زیبا، و... می پوشانند، تا احساسگرایان و خیالباغان را بفریبند و به هرج و مرج جنسی بکشانند تا هر گونه ندای ذات وجود خویش را (که به پیوند با حق فرا می خواند) نشنوند.

امّا در وجود یوسف (علیه السلام) عقل و ایمان حکم می راند، او آنجایی را دوست می دارد که بتواند با ارزشترین گوهر (هستی انسانی) را از مکر، حيله، فریب راهزنان عزّت، شرف و شخصیت انسانی حفظ کند. هر چند در سخت ترین شرایط اقلیمی، اقتصادی و جسمی باشد. و چون براساس اصل سنجش و مقایسه آن را دوست می دارد، عقده روانی، افسردگی، ترس و اضطراب و بدنبال آنها رفتار ناهنجار پیدا نمی کند.

توجه به این نکته ضروری است که جمله «أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ» معلول کید و فریب آنانی است که جذابیّت های شهوانی و جنسی را ایجاد می کنند، میل و

ص: ۲۹

علاقه به آن جذابیّت‌ها مقدمه ارضاء غریزه جنسی از طریق غیر واضح (راه غیر صحیح) است که همان جهل باشد.

جهل در مقابل عقل، نه جهل در مقابل علم. زیرا این جهل بافراگیری و یادگیری رفع می‌شود، ولی جهل در مقابل عقل با جایگزینی حق و واقعیت به جای باطل و غیر واقع و ماندن بر آن محو می‌گردد.

آنچه یوسف (علیه السلام) را بدان می‌خواندند باطل و خارج از واقعیت بود که عبارت از ارضاء غریزه جنسی و لذت نفسانی خارج از دایره شرافت انسانی باشد. او زندان را برگزید تا جهل را جایگزین عقل نسازد و عاملی که مانع جایگزینی جهل بر عقل شد، شخصیت انسانی یوسف (علیه السلام) بود. زیرا انسان به عنوان انسان بودن محکوم و مقهور غریزه نیست، ولی به عنوان حیوان خواست غریزی را ترجیح می‌دهد. بر همین اساس امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

مَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: (۱) کسی که عقل او بر خواهش نفسانی اش غالب شود (که غلبه عقل بر جهل است) او برتر از فرشتگان خواهد بود.

و نکته قابل توجه دیگر، یاری خواستن از خداست. با این که زندان را بر غلبه شهوت ترجیح می‌دهد، در عین حال متوجه است که رهانیدن خویش از ارضاء ناهنجار در شعاع استعانت جستن از الله است، که جمله «وَإِلَّا تَصْرِفْ...» در بردارنده آنست.

به هر حال، در ارضاء غرایز باید طریق واضح (راه صحیح) را پیمود و طریق واضح، طریق عقلانی است که به یافتن حق (که انسان به عنوان انسان بودن

ص: ۳۰

آن را طلب می کند) منتهی می شود و آنچه مانع از جایگزینی بی راهه به جای طریق واضح می شود، وجود شخصیت انسانی است. شخصیتی که از جهل می گریزد و در پناه دین و عقل قرار می گیرد.

ص: ۳۱



هر جامعه ای از ساختار فرهنگی خاص برخوردار است. فرهنگ جوامع مشخص آداب، رسوم نوع خاص روابط، اخلاق، اعتقادات، نگرشهای سیاسی، اقتصادی و... است. کیفیت بهره گیری از غرایز و استعدادها و نحوه ارضاء و پاسخگویی به آنها وابسته به نوع فرهنگ حاکم بر مردم است.

فرهنگ اجتماعات در ارضاء غریزه جنسی از دو حال جاهلی و عقلی خارج نیست. ارضاء جاهلی غریزه جنسی عبارت از ناهماهنگی آن با انسان بودن انسان است. چنان که عقلانی بودن ارضاء، هماهنگی آن با اصل انسان بودن است.

در فرهنگ جاهلی یا به طور کلی معیار و قاعده ای برای پاسخگویی به خواهش جنسی وجود ندارد که هرج و مرج جنسی نام می گیرد. و یا قواعد، قوانین و معیارهایی وجود دارد که با اصل انسانی هماهنگ نیست، در برخی از جامعه ها ممکن است با توجه به وجود هرج و مرج جنسی، معیارهایی مغایر با

انسانیت انسان نیز وجود داشته باشد.

در فرهنگ عقلی، ارضاء والتذاذ جنسی بدون معیار نیست، و معیاری پسندیده است که با مصالح بُعد انسانی هماهنگ باشد. قوانین و احکام براساس آن معیار، اعتبار و قرارداد می شود.

حکم پوشش کامل برای زن از دید نامحرمان و نهی از سخن گفتن و ظاهر شدن به نحوی که در برخی تحریک شهوانی کند و نهی مردان از نگاه شهوانی به زنان، اشخاص و... همگام با مصالح انسانی و حفظ عفاف، غیرت و ناموس است.

قرآن مجید خطاب به زنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: **وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى**: (۱) و در خانه های خود بمانید و چون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید (خودنمایی نکنید).

تَبَرُّج (خودنمایی تحریک کننده خواهش جنسی و ایجاد میل و علاقه شهوی در افراد است). نمونه ای از اندیشه جاهلیت قبل از اسلام است که فرهنگ قرن بیستم آن را در حدی و وسیع تر با جلوه های جدید بنام تمدن بشری به جوامع امروز ارائه می دهد.

نوع آرایشها در چهره، لباس، سروتن، اندیشه حسی و خیالی جوانان را می فریبد و فتنه ای در درونشان ایجاد می کند، و تا به کام خواهش نفس نرسند، این فتنه خاموش نمی شود و آرام نمی گیرد و چه بسا شخص برای فرونشاندن هوس خویش (که از یک نگاه مرد به زن و زن به مرد حاصل شده است) به

ص: ۳۴

اسباب و عواملی چنگ زند که هر چند غریزه را آرام کند اما تبعاتی را به وجود آورد؛ مانند: عذاب وجدان، عذاب از دست دادن عزت و شرف انسانی، عذاب وجود کودکی نامشروع، عذاب بی آبرویی و شایعه فحشاء، و اگر اهل آخرت باشد ترس عقوبت اخروی و...

آرامش جنسی که سبب اضطراب، افسردگی، ترس و مایه نابودی جان و تن شود، و مهم تر از همه اینها عزت و شرف انسانی را قربانی زیبایی خیالی و حسی کند؛ عین بی عقلی است.

(أَوَّلُ الشَّهْوَةِ طَرْبٌ وَ آخِرُهَا عَطَبٌ) : (۱) ابتداء (پاسخگویی به) خواهش نفس وجد و شادمانی است و پایان آن زیان و آفت (فساد و هلاکت) است.

و کم نیستند جوانانی که در جاهلیت قرن حاضر قربانی کسانی شدند که با تبرج جاهلی خویش آنان را در دام چشم ارضایی، خود ارضایی، لمس ارضایی و... انداختند.

در فرهنگ جاهلی رابطه غریزه جنسی با اخلاق رابطه ای بسیار منفی است؛ اظهار محبت، عشق، گفتگوهای دوستانه، دیدارها، برخوردهای محبت گونه، نشست های شبانه، تفریحا و... در شعاع خودخواهی شهوی و جنسی انجام می گیرد و به همین جهت هیچ کدام دوام ندارد و به زودی وصل تبدیل به فصل شده و تنفر را پدید می آورد. و از آن جا که خودخواهی شهوی در نگاه طبیعی و اصل اولی آن با مرتبه انسانی هماهنگ نیست، انگیزه منفی دارد، که از آن به قبح فاعلی تعبیر می شود.

ص: ۳۵



در فرهنگ جاهلی شرط محوری ازدواج، جمال، ثروت، اعتبارات و... است.

و هرگز به اصالت دینی، انسانی، عزت نفس و ایمان توجه نمی شود؛ و گاهی احياناً توجه حاشیه ای و صوری است. بدون تردید ازدواجی که محورش جمال و ثروت باشد بهره اش ارضاء غریزه و عاقبت آن کدورت، دلهره، تنفر و حسرت... است زیرا جمال و ثروت بقاء ندارند، و محبت معلول آن دو بتدریج ضعیف شده و جای آن را بغض یا حداقل بی التفاتی می گیرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هرکس تنها برای جمال بازنی ازدواج کند خواسته خود را در وجود او نیابد و هرکس تنها به منظور مال زنی را بگیرد خدا او را به همان مال واگذارد (که غنا و استقلال نفس را به همراه ندارد) همیشه در ازدواج، همسر با ایمان انتخاب کنید»<sup>(۱)</sup>

در فرهنگ عقلی خودخواهی جنسی در نگاه انسانی و اصل سنجش و مقایسه هماهنگ با انسان بودن انسان است و به همین انگیزه (که از آن به حسن فاعلی تعبیر می کنند) اخلاقی مثبت است. در این فرهنگ هرگونه رابطه شهوی که بین زن و شوهر باشد رنگ انسانی دارد و پیوند جنسی والتذاذ شهوی نوعی اظهار نعمت الهی و شکر خدای متعال است. به همین جهت همراه با عزت و شرف دنیوی و ثواب و نجات اخروی می باشد. تبرج زن برای شوهر و خودنمایی آرایش مرد برای زن مستحب بوده و قابلیت آن را دارد که همراه با تقرب به خدا باشد. در ازدواج هر چند جمال و امکانات مادی مورد توجه است و لکن به جهت اهداف عالی انسانی ازدواج، تدین، ایمان و اصالت تقوایی اصل است.

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - ازدواج در اسلام، (علی مشکینی)، صص ۷۹-۸۰.

فرهنگ اسلام در ارضاء غریزه جنسی فرهنگ عقلی است که وحی به کمک آن شتافته و آن را از اشتباهاتی که معلول محدودیت در معرفت آن است، رهایی بخشیده، و چنین فرهنگی در همه جوامع بشری سزاوار پیروی کردن است.

وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ بِغَتَّةٍ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵) أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (۶۵)...۱

و از بهترین دستوراتی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید، پیش از آن که عذاب الهی ناگهانی به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید (این دستورها به خاطر آن است که) مبدا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهیایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و (آیات او را) به ریشخند و استهزاء گرفتم.

و مبدا بگوید: اگر خدا مرا هدایت می کرد از پرهیزگاران بودم.

یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: آیا می شود بار دیگر (به دنیا) باز گردم تا از نیکوکاران باشم!؟



## غریزه جنسی و جامعه و دولت

غریزه جنسی و جامعه و دولت

منظور ما از جامعه در اینجا وجود خانواده و مردمی است که هدفی واحد آنان را گرد آورده و به صورت فردی و گروهی به انجام وظایف اجتماعی خویش مشغولند. اصلاح غریزه جنسی و هماهنگی آن با انسان بودن انسان از جمله مسائلی است که همّت جامعه را می طلبد.

تردیدی نیست که جامعه اسلامی ما در پی از بین بردن انحرافهای شهوی و جنسی در اشکال گوناگون آن است و برای عملی شدن این مطلب بسیج همگانی لازم است.

خانواده ها، مسئولین فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی، نویسندگان، مبلغین صاحبان ثروت و... با برنامه ای از پیش تنظیم شده، به این امر مهم مبادرت ورزند. البته با توجه به برنامه ای که دولت و نظام مسئول طبق ضوابط عقلی و شرعی تدوین می کند و جهت اجراء در اختیار جامعه قرار می دهد، و بر اجراء آن نظارت دقیق دارد.

ص: ۳۹

در این برنامه نکات زیر باید مورد توجه دقیق قرار گیرد:

۱. غریزه جنسی واقعی است که در آدمیان وجود دارد و در هر دوره ای به شکلی خاص جلوه می کند، دارای رشد تدریجی است که به لحاظ وضعیت بدنی و جغرافیایی در سن خاصی ظهور فعلی اش را به نحو کامل و بارز اعلام می دارد.

با توجه به این نکته، مراقبت و روی کردن به نحوه و کیفیت رشد جنسی از سوی خانواده ها و... از همان کودکی باید مورد ملاحظه قرار گیرد. چنین مراقبتی باعث می شود که انسان در هر دوره و مرحله ای از رشد بر نحوه ظهور غریزه حاکم باشد. جزئیات مراقبت و نحوه رشد تدریجی به طور دقیق باید از سوی صاحب نظران تدوین و ارائه شود.

۲. التذاذ از ارضاء غریزه جنسی در سنین مختلف امری طبیعی بوده و لکن در نحوه ارضاء باید مصالح انسانی، دینی و اخروی ملاحظه شود.

۳. هدف انسانی از غریزه جنسی که عبارت از پیدایش نسلی صالح و سالم باشد باید مورد توجه قرار گیرد.

۴. اطلاعات و آگاهیهای لازم و ضروری مربوط به غریزه جنسی و حکمت وجودی آن با توجه به سن خاص اشخاص به افراد داده شود، که آنان وجود آن را یک امر طبیعی احساس کنند، و متوجه شوند که مانند بقیه استعدادها، باید از آن بهره انسانی گرفت. بهره ای که به شرف و عزت انسانی لطمه ای وارد نکند.

۵. شناخت عوامل انحراف جنسی و نیز آگاهی یافتن از آنچه در اصلاح غریزه مؤثر است. و بدنبال آن زدودن تمام آن عوامل از محیط زندگی و

جایگزین ساختن آنچه جهت اصلاحی دارد.

بدون تردید عوامل انحراف به مقتضای سن افراد، محیط و مسایل روحی اشخاص و... متفاوت است. توجه به مرحله سنی و بکارگیری عوامل اصلاحی به تناسب آن مرحله مانع از برخوردهای افراطی و تفریطی با گزینه جنسی خواهد شد.

شناخت مسایل فوق در عهده روانشناسان، متخصصین در مسایل تربیتی و اخلاقی و افراد انسان شناس، جامعه شناس و نیز آنانی که آگاهی‌هایی از ارگانسیم وجودی انسان و... دارند، می باشد.

مردم و دولت جهت برنامه مطلوب اصلاحی گزینه در تمام مراحل حیات و زندگی از اینان باید کمک بگیرند.

۶. کیفیت طرح و بیان مسایل اخلاقی و نحوه رابطه انسان با خود و نیز چگونگی تقویت اراده در کنترل و اصلاح گزینه و استخدام آن در حفظ عزت انسانی بسیار مؤثر است.

۷. معرفی شخصیت انسانی و بالا بردن سطح معرفت کلی افراد نسبت به واقعیت‌های دنیوی و مقایسه آن با زندگی جاوید پس از مرگ و تبیین جایگاه واقعی دنیا و انسان و ایجاد درک و فهمی صحیح، جامع و کامل از هستی و جهان و تفسیر درست از فلسفه زندگی و به هر حال ارائه بینش درست عقلانی و تقویت رابطه معنوی و مثبت با خود و با خدا و جهان به وجود آورند. معرفت به شخصیت عظیم انسانی مانع خروج فعالیت‌گریزی از حدود عقل و شرع می شود.

موارد بیان شده فوق صرفاً جنبه پیشگیری از انحراف دارد و احیاناً تسکین دهنده است، و بُعد معرفتی رابطه با غریزه جنسی را تشکیل می دهد. و جامعه (خانواده، مدارس، مراکز آموزش متوسطه و عالی، مسئولین سازمانها و...) موظف به اجراء آن است. در واقع موارد فوق شرط لازم برای اصلاح خواهش نفسانی است و اما شرط کافی نیست.

روی دیگر قضیه اقدامهای عملی است که دولت و جامعه (چنانچه خواهان نفی انحرافهای جنسی در اشکال گوناگون آن هستند) باید به انجام رسانند، آن اقدامهای عملی عبارتند از:

۱. فراهم آوردن امکانات لازم برای اشتغال کودکان، نوجوانان و جوانان وجود کتابخانه ها با کتب مفید اخلاقی و تربیتی متنوع در سطوح مختلف، ایجاد مراکز ورزشی و تفریحی با ضوابط و مقررات هماهنگ با بینش انسانی، ایجاد کارگاهها برای فعالیتهای هنری، فنی؛ تشکیل اردوهای علمی، تحقیقی و تفریحی سالم با ضوابط مثبت اخلاقی و حفظ فضیلت های انسانی و... وجود امکانات فوق سبب می گردد که تمام وقت افراد تحت کنترل قرار گرفته و از تحریکات جنسی که معلول عدم اشتغال به فعالیتهای فکری و جوارحی است، جلوگیری شود.

۲. مشکل جنسی جوانان محصور در اینها نیست، تا دولت و جامعه به وجود امکانات بیان شده اکتفاء کنند. و همین که تا حدودی آنان را از انحراف جنسی رهانیده، احساس رضایت کنند و به خیال خود و وظیفه را به اتمام رسانده باشند. بل جوان نیازمند رابطه محبتی و عاطفی در شعاع ازدواج است و این که

زن و مرد جوان به عنوان دو شریک زندگی سکونت عاطفی و روحی در کنار یکدیگر پیدا کنند، از فرزندان سالم و زیبا برخوردار گردند. و بعد از سالها گریز از ارضاء غریزه جنسی به وسیله سرگرمیها، با پیوندی مشروع از این محرومیت بیرون آیند. پاسخ به چنین نیازی، اقتصاد سالم را می طلبد. ایجاد اشتغال کاری برای جوانان و رساندن حقوق مناسب و دادن سرمایه کاری به آنان برای وارد شدن به بازار کار و تجارت و... به آنان فرصت ازدواج را می دهد.

و چه بسیار از جوانان (مرد یا زن) هستند که احیاناً خود را در مقابل فشار غریزه جنسی می بازند، و به لحاظ شرایط خانوادگی، فرهنگی و محیطی قدرت کنترل را از دست می دهند، ایمان و اراده اینان در برابر ظهور فعلی خواهش نفس ضعیف است.

و چنانچه ازدواج نکنند به معصیت می افتند. و چه بسا مانع ازدواج آنان ضعف اقتصادی آنهاست، از طرف دیگر فتوای مراجع عظام را ملاحظه می کنند «که اگر بترسد به معصیت می افتد واجب است ازدواج کند» در چنین مواردی صاحبان ثروت باید پا به میدان بگذارند، و به خاطر حفظ عفت و شرف انسانی و رضای خدای متعال و پاکی نسل به این گونه جوانان یاری برسانند ثروت انباشته شده که در اصلاح جامعه و کمک به خلق بکار نیاید، وزری بر عهده صاحبش است که در دنیا او را گرفتار غرور و جهل می کند و در آخرت برای مقدار حرامش یا ترک اداء حقوقش باید عذاب بکشد و برای مقدار حلالش باید محاسبه شود.

راستی باید به ثروتمندان گفت فلسفه و حکمت تمرکز ثروت چیست، آیا فکر



کرده اید که معنا و مفهوم داشتن هکتارها زمین، باغ، میلیونها یا میلیاردها تومان پول و انباشتن طلا، نقره، عتیقه و امثال اینها چیست؟! شما خودتان چه مقدار از آن بهره مادی می گیرید. بسیار اندک! پس چرا بهره معنوی خود را از آن فراموش کرده اید. چرا آن را وسیله کمال انسانی، تقرّب به خدا و أجر اخروی قرار نمی دهید، حال خدا و آخرت را فرض کنیم «نعوذ بالله» قبول ندارید. آیا انسان بودن خودتان را هم قبول ندارید؟!

شما را به قرائت آیه ۳۴ سوره توبه(۱) و وجدانتان وامی گذاریم. و بدانید در مقابل شرف و عفت انسانها و اصلاح جامعه و ذات خداوندی مسئولید، امروز کسی از شما بازخواست نکند، فردای قبر و برزخ و قیامت باید پاسخ مسامحه و اهمال کاری خود را در اصلاح فرد و جامعه بدهید.

۳. زدودن عوامل، ابزار، وسایل، کتب، نوشته ها، عکسها، افراد و هر چیزی که به حکم عقل و عرف محرّک شهوات و انحرافهای جنسی در محیط زندگی فردی و اجتماعی است، از وظایف عملی مسئولین نظام جمهوری اسلامی و آمرین به معروف و ناهین از منکر می باشد.

پاک کردن محیط زندگی فردی و اجتماعی بخصوص محیطهای آموزشی و اداری از آلودگیهای شهوانی، ایجاد زمینه برای ظهور واقعیتها و معنویات انسانی است.

۴. در برخی از مواقع، نظام حاکم و جامعه و مردم در شرایطی هستند که قادر به تهیه امکانات ازدواج دائم برای جوانان (دختر و پسر) نیستند، و یا

ص: ۴۴

افرادی هستند که به لحاظ شرایط و موقعیت روحی و کاری خود نمی توانند به ازدواج دائم تن دهند. از طرف دیگر رهایی افرادی که به مرحله بلوغ جنسی رسیده، باعث ارتباطهای نامشروع بین پسران و دختران و ابتلاء افراد به خودارضایی، چشم ارضایی، و... می شود. در چنین شرایطی دولت با ارائه برنامه مبتنی بر ضوابط شرعی، اخلاقی و حقوقی ازدواج مدّت دار را به اجراء در آورد. بدون شك، کسی مرتكب انحراف جنسی نخواهد شد مگر این که نفسی شقی داشته باشد، چنان که مولی امیرمؤمنان فرمودند. (۱)

ص: ۴۵

---

۱- (۱) - وسائل الشیعه، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱، حدیث ۱.



در چند بخش قبل مطلبی تحت عنوان اصل سنجش و مقایسه بیان داشتیم، طبق این اصل کیفیت ارضاء خواهشهای نفسانی باید به گونه ای باشد، که به شرافت و عزت بعد انسانی آسیبی نرساند و علاوه بر این ابزاری برای ترقی انسانی و رشد فضایل باشد.

بنابراین روش عملی در کیفیت ارضاء باید بگونه ای باشد، که غرض انسانی فوق را تأمین کند.

اولاً: روش عملی را چه کسی باید تعیین کند؟

ثانیاً: آن روش عملی کدام است؟

ثالثاً: آیا آن روش عملی برای جلوگیری از هرگونه انحراف جنسی کافی است؟

معیار کلی در روش عملی اینست که انسان را از شأن انسانی اش خارج نکند ذات ارضاء جنسی هر چند عملی در دایره خواست حیوانی است ولیکن باید به

گونه ای انجام گیرد که انسان از انسان بودنش خارج نشود. و چنین روشی را کسی تعیین می کند که عالم مطلق به همه جوانب وجودی انسان باشد و با توجه به آن جوانب و مسایل بیرونی از وجودش روش عملی ارضاء غریزه جنسی را بیان کند. و آن جز خدای متعال نیست.

دنیای امروز با تمام پیشرفتهای علمی اش راه فحشاء و آزادی جنسی را به روی مردم گشوده است، و این روش بدان معناست که برای مقام انسانی ارزشی نمی شناسد، و به همین جهت حقّ انسانی قربانی آزادیهای حیوانی شده است.

آری خداست که براساس اصل حکمت، انسان را رها نساخته و آن گونه که روش عبادت و بندگی خود را به او آموخته، روش رفتار برتر را توسط پیامبران و رسولان و اوصیاء رسولان به او تعلیم داده است. ان الله بکل شیء علیم (۱) آن روشی که خدا جهت ارضاء غریزه جنسی با روی کردن به اغراض انسانی و هماهنگی با غرض از آفرینش انسان برای مردم قرار داده کدام است؟

انسان یا در شرایط کاملاً عادی از نظر روحی، اقتصادی و کاری است و یا این که دارای شرایط نامناسب از تمام ابعاد یا برخی جهات است. روش و طریق ارضاء به لحاظ اختلاف شرایط یکسان نیست.

کسی که در حالت عادی شرایط و مناسب کاری و اقتصادی قرار گرفته، بهترین روش برای ارضاء غریزه جنسی و رسیدن به بهره های انسانی آن ازدواج دائم است که در واقع همگام با فطرت، عقل و عرف عقلاء است. و قرآن مجید آن را امضاء کرده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عنوان سنت خویش معرفی

ص: ۴۸

فرموده است. فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ... ۱

عکاف گفت به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شرفیاب شدم، به من فرمود آیا همسر داری، گفتم: خیر سؤال کردند: کنیز داری؟ باز هم جواب منفی دادم. حضرت (صلی الله علیه وآله) فرمود: تو که سالم و توانگری؟ گفتم بحمدالله چنین است.

آنگاه فرمود: پس با وجود چنین شرایط مناسبی (برای ازدواج) تو از برادران شیطانی! (زیرا عذری برای تو نیست) یا از گروه رهبانان مسیحی هستی و (چنانچه مسلمانی) باید رفتاری مانند مسلمانان داشته باشی، نکاح و ازدواج از سنت ماست بدترین افراد شما بی همسران شما و پست ترین مردگان شما عزبهای (بی همسرهای) شما هستند... و ای بر تو (ای عکاف) زن بگیر، همانا تو از خطا کارانی. گفتم: یا رسول الله (صلی الله علیه وآله) پیش از آن که برخیزم به من زن بده. فرمود: کریمه دختر کلثوم حمیری را به همسری تو در آوردم. (۱)

زن و مرد با پیوند زناشویی و عمل به شرایط اخلاقی و توجه لازم بل کافی به حقوق یکدیگر و هدف عالی ازدواج، می توانند تا آخرین لحظه زندگی به خوشی و آرامش دور از انحرافهای پلید جنسی بگذرانند و با رنگ الهی دادن به این پیوند به کمال انسانی و فضایل اخلاقی نایل گردند.

ازدواج دایم اصل اولی و پایه اساسی نظام اجتماعی را تشکیل می دهد. و غرض اصیل اسلام در مسأله تشکیل خانواده و در پی آن تعلیم و تربیت و الفت و پیوند و سکونت و آرامش مرد در کنار زن و زن در کنار مرد و در واقع مودّتی که مورد نظر قرآن در آیه ۲۱ از سوره روم هست و حفظ دین و عفت در شعاع

ص: ۴۹

ازدواج دایم میسر است. و شاید به همین جهت باشد که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند:

مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّرْوِيجِ: (۱) بنایی در اسلام محبوبتر نزد خدای عزّ و جلّ از پیوند ازدواج بنا نشده است. و امام صادق(علیه السلام) فرمودند: مَا شِئٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَعْمُرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ: (۲) چیزی نزد خدای عزّ و جلّ در اسلام از خانه ای که به سبب نکاح آباد شود، محبوبتر نیست.

و رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند:

مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ (۳). کسی که ازدواج کند نصف دینش حفظ می شود.

اهمیت ازدواج آن چنان است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) کناره گیری از آن را سرزنش کرده و فرمود: مَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي کسی که از سنت من فاصله بگیرد از من نیست.

جمله

«فَلَيْسَ مِنِّي» شاید اشاره باشد به این که داخل در دین من نیست یا هیچ ارزشی در نزد من ندارد. با توجه به اهمیتی که اسلام به ازدواج دایم داده و این همه ترغیب، تشویق در مورد آن و ثواب و آثار مثبتی که از آن ناشی می شود، متأسفانه ملاحظه می شود که مسلمانان برخورد ضعیفی با آن دارند. و این برخورد ضعیف و سست نه به جهت اینست که میل آنها به این سنت اسلامی کم رنگ شده و از آثار مثبت آن صرف نظر کرده اند یا راه مشروع دیگری را به جای آن جسته اند و از آن دوری می کنند، بل بدان جهت است که در بند سنتهای غلط اجتماعی، فرهنگی و چشم و هم چشمی قرار گرفته اند. و از

ص: ۵۰

---

۱- (۱) کتاب النکاح، أبواب مقدمات النکاح و آداب، باب ۱، روایت ۴.

۲- (۲) کتاب النکاح، أبواب مقدمات النکاح و آداب، باب ۱، روایت ۴.

۳- (۳) - همان، باب ۱، روایت ۱۱.

سوی دیگر مقهور و مغلوب دنیای ماشینیسیم و زرق و برق آن واقع شده اند که آنچه این دنیا عرضه کرده باید همه را یکجا فراهم کنند تا این که مقدمه ازدواج را فراهم کرده باشند و بدون آن گویا ازدواج معنا و مفهومی پیدا نمی کند. و چنین پنداشته اند که این سنتهای غلط علت تامه تحقق ازدواج است.

از سوی دیگر روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و تعلیمی و تربیتی جامعه اسلامی با غرب سبب وجود خود باختگی هایی در افراد شده که در اثر تبلیغ منفی به دیگران سرایت کرده است به نحوی که ازدواج را بدون تشریفات کذایی دور از شأن خانوادگی می دانند. این قید و بندهای پوچ ذهنی ازدواج به موقع را از رونق انداخته و سبب فساد اخلاقی جوانان از زن و مرد در اجتماع شده است.

و چنانچه فرهنگ دینی و اخلاق اسلامی در میان مردم تقویت نشود و برنامه صحیح تربیتی از سوی مسئولین ذی ربط به مردم ارائه نگردد در آینده فاجعه ای عظیم تر به بار خواهد آورد.

کنار گذاشتن آن سنتهای غیر عقلانی و ترویج ساده زیستی و بیان هدف زندگی و هدف عالی ازدواج جوانان را به سوی ازدواج دایم سوق خواهد داد.





برای کسی که قدرت و توانایی بر ازدواج دائم ندارد. یا به جهت فقر و نبود امکانات لازم، یا به جهت موقعیت و شرایط کاری (مانند شخص مسافر و یک دیپلمات و یا دانشجو در کشور بیگانه و...) و به هر حال کسی که شرایط نامناسب به او اجازه ازدواج دائم را نمی دهد، اگر از مزایای موجود در ازدواج دائم صرف نظر کنیم لاقلاً برای تنها ارضای جنسی و لذت شهوی (مرد و زن) چه راهی وجود دارد؟ آیا خداوند متعال این گروه از مردم (مرد یا زن) را به حال خودشان رها کرده که هر روشی را خواستند برگزینند، خدای متعال (که از هر کس به بندگانش مهربانتر است و تدبیر کننده آنانست)، گروه مزبور را بلا تکلیف نگذاشته. و با بیان تکلیف حجت راتمام کرده و راه انحراف را به روی آنان بسته است.

برای آنانی که موفق به ازدواج دائم نمی شوند، ازدواج مؤجل (مدت دار) پیشنهاد شده است ابو بصیر گفت: راجع به ازدواج مدت دار از امام

باقر(علیه السلام) سؤال کردم، حضرت فرمودند: آیه «فَمَا اسِيْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...» در مورد ازدواج مدّت دار در قرآن نازل شده است. (۱)

عبدالرحمن بن أبی عبداللّه گفت: شنیدم که ابوحنیفه از امام صادق(علیه السلام) درباره ازدواج مدّت دار سؤال می کرد، امام(علیه السلام) در پاسخ فرمودند:... سبحان الله، آیا کتاب خدا را نخوانده ای؟! «فَمَا اسِيْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» ابوحنیفه گفت: به خدا سوگند گویا این آیه ای است که هرگز آن را نخوانده ام. (۲)

عبدالرحمن ابن ابی لیلی گفت: از امام صادق(علیه السلام) راجع به نسخ آیه متعه سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: هرگز آیه نسخ نشده است... (۳)

روایات و احادیث در جواز ازدواج مدّت دار و احکام و شرایط آن در کتب روایی و فقهی مورد توجه و بحث و بررسی واقع شده و جواز این ازدواج در نزد فقها و علمای شیعه امامیه اجماعی است.

خداوند متعال نه از باب حرج و نه اضطرار و نه از باب اکل میته بل به عنوان حکم اوّلی به ازدواج مدّت دار امر فرمود، تا راه زنا و هر انحراف جنسی دیگر را به روی مردم ببندد.

یکی از حکمتهای ازدواج مدّت دار اینست که نیازهای تمتّعی زن و مرد در فضائی از شرف و عزّت انسانی رفع گردد. و چنانچه خواهان فرزند باشند، فرزند مشروع صاحب پدر معین دنیا آورند. و اگر بر همان لذّت جنسی اکتفا کردند.

ص: ۵۴

- 
- ۱- (۱) - وسائل الشیعه، أبواب المتعه، باب ۱، روایت ۱.
  - ۲- (۲) - وسائل الشیعه، أبواب المتعه، باب ۱، روایت ۶.
  - ۳- (۳) - وسائل الشیعه، أبواب المتعه، باب ۱، روایت ۲۴.

بهره دنیوی خویش را برده اند علاوه بر این که دین و عزت انسانی خویش را حفظ کرده و از راه عفت خارج نشده اند. و با خشنودی خدا ثواب اخروی نیز نصیب آنان شده است.

به هر حال پس از ازدواج دائم راهی که از جانب خدا برای لذات جنسی مشروع دانسته شده ازدواج مدّت دار است. و جای این سؤال هست که آیا این روش عملی، برای هرگونه جلوگیری از انحراف جنسی کافی است؟

پاسخ این سؤال را از امیرمؤمنان (علیه السلام) می گیریم که فرمودند:

...لَوْلَا مَا سَيَّبَنِي بِهِ ابْنُ الْخَطَّابِ مَا زَنَا إِلَّا شَقِيًّا: (۱) اگر (رأی) عمر بن خطاب (بر حرمت متعه بر (نظر) من به جواز متعه) سبقت نگرفته بود جز شقی (بدبخت) کسی دیگر مرتکب زنا نمی شد. (۲) استثناء (الأشقی) ظهور واضح دارد در این که انسان که در پی حفظ عزت و شرف انسانی خویش بوده، و به عفت می اندیشد در صورت محروم بودن از ازدواج دائم، چشم ارضایی، لمس ارضایی و ارضاء جنسی را با ازدواج مؤجل پاسخ می دهد، مگر این که نظر استقلالی به گزینه جنسی داشته و مقام انسانی خویش را به غفلت سپرده باشد و بخواهد با ناپاکان هم رنگ شود، و خارج از جایگاه والای انسانی خود به خواهش نفس برسد و این جز شقاوت و بدبختی چیز دیگری نیست.

قانون ازدواج مؤجل رحمتی از جانب خداست و تردیدی نیست در این که افرادی که داخل در رحمت خدا شوند، خداوند آنان را از انحراف باز می دارد امام

ص: ۵۵

---

۱- (۱) - وسائل الشیعه، ابواب المتعه، باب ۱، روایت ۲ و ۲۰ و ۲۵ و مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۰۵.

۲- (۲) - و در حدیث شریف به جای «شقی» «شقی» هم نقل شده که به معنای قلیل است یعنی زنا نمی کرد جز کمی از مردم.

صادق (علیه السلام) پس از قرائت آیه «ما یَفْتَحِ اللهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا...»<sup>۱</sup> فرمود:

وَالْمُتَعَّةُ مِنْ ذَلِكَ،<sup>(۱)</sup> ازدواج مؤجل از همین رحمتی است که از جانب خدا به روی مردم گشوده شده است.

ص: ۵۶

---

۱- (۲) - وسائل الشیعه، ابواب المتعه، باب ۱، روایت ۱۸.

مردم در ارتباط با غریزه جنسی و خواهش نفس به چند گروه تقسیم می شوند:

گروهی که در پرتو ایمان، تقوا، عمل صالح، تربیت درست دینی و شناخت واقعیت، از عزت و شخصیت انسانی خاص برخوردار گشته اند. و خواسته های انسانی بر خواهشهای نفسانی ایشان حاکم گشته به نحوی که در هر صحنه و سوسه انگیزی قرار گیرند با کرامت از کنار آن می گذرند «... وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» ۱.

این گروه جز عفاف و حیا را پذیرا نمی شوند و حرکتی عملی جز در دایره عقل و شرع ندارند. شأن فعلی انسانی اینان را از هر گونه پلیدی و انحراف جنسی و شهوی باز می دارد. و ازدواج دائم را در هر شرایطی به عنوان سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پاس می دارند و در صورت ضرورت شدید از باب اضطرار و

حرج، زناشویی مؤجّل را پذیرا می شوند، آن هم با توجّه به تمام احکام و ضوابط شرعی و اخلاقی آن. جامعه از این گروه نگرانی ندارد بل آنان را به عنوان پاسداران عفاف و عزّت باید عزیز بشمارد.

گروه دیگر افرادی هستند که تا در جوّ سالم و مساعد مذهبی قرار گرفته اند و با انسانهایی چون گروه اوّل و یا پائین تر همنشین هستند، به جهت وجود جوّ حاکم و وجود نداشتن عوامل تحریک خواهش جنسی قادر به حفظ خویش از انحراف جنسی هستند و راه عفاف و حیا را پیش می گیرند ولی به محض این که شرایط تغییر کند و همنشینی با افراد ناباب صورت گیرد و عوامل محرّک خواهش جنسی هم وجود داشته باشد<sup>۲</sup> به جهت ضعف تربیتی، ایمانی و شخصیتی، خود را می بازند و به رنگ شرایط جدید در می آیند و تدریجاً به انحراف جنسی و فساد اخلاقی کشیده می شوند. چه بسیار جوانانی که در محیط محدود مذهبی برخوردار از عقیده صحیح، پاک و عفیف هستند. ولی به محض ورود به محیطهای فساد و نادرست و روبرو شدن با فرهنگ جاهلی، خود باختگی شخصیتی پیدا کرده و به رفتارهای ناهنجار گرفتار می شوند. این گروه هستند که اگر به آنان توجّه فرهنگی نشود و جامعه و فرهنگ، راه صحیح ارضاء غریزه جنسی را به روی آنان نگشاید، به راههای نامشروع (چشم ارضایی، و ارضاء خارج از دایره عفاف) کشیده می شوند. و جامعه را آلوده به خواهشهای نفسانی خویش می کنند.

فراهم آوردن امکانات ازدواج دائم برای اینان در مرحله اوّل و در صورت نبود آن، وجود امکانات ازدواج مؤجّل و مدّت دار بهترین راه برای حفظ

شخصیت ایمانی و مذهبی آنان است. هر چند باید در پرتو تعلیم و تربیت صحیح به معرفت عالی دینی و انسانی برسند که از جهات دیگر بتوانند در شرایط نامساعد فرهنگی ایمان خویش را نگهدارند.

و گروهی دیگر از مردم هستند که حدّ و مرز انسانی و دینی هیچ معنا و مفهومی برایشان ندارد. میل به هر انحرافی در آنان قوی است. ساختار فکری و فرهنگی آنان به گونه ای است که هر امر مذهبی، مقدّس و وابسته به مذهب را به مسخره می گیرند. اینان اگر هم امکانات لازم را برای ازدواج دائم داشته باشند، آزادی جنسی را ترجیح می دهند، و اگر هم امکانات نداشته باشند، حاضر نیستند در محدوده ازدواج مؤجل به خواهش نفس پاسخ گویند. هرج و مرج جنسی را پذیرا هستند. در چشم چرانی، در پی نوامیس دیگران افتادن، خود ارضایی و... بی پروااند.

بزرگترین مشکل جامعه و مردم، این گروه هستند، که امیرمؤمنان(علیه السلام) به آنان نام

«هَمْجُ رَعَاً»<sup>(۱)</sup> داده است (چون) مگسان کوچک و ناتوانند (نادان و نفهم، که به انواع زشتیها آلوده اند) که هر آوازه کننده ای (به هر راهی) را پیروند و با هر بادی می روند. (درست را از نادرست تمیز نداده و به دین خدا پایدار نیستند و به هر راه که پیش میآید می روند) از نور دانش روشنی نطلبیده اند (در تاریکی نادانی مانده اند) و به پایه استواری (عقاید درست و فرهنگ جامع انسانی) پناه نبرده اند<sup>(۲)</sup>. (باورهای حقّه، آنها را فرا نگرفته و دنباله رو و پیرو گمراهان و گمراه

ص: ۵۹

---

۱- (۱) - نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹.

۲- (۲) - نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹. الناس ثلاثه:... و همج رعاع، اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریح لم یستضیوا بنور العلم و لم یلجأوا الی رکن وثیق.



گروه سوّم، توانایی منحرف کردن گروه اوّل را ندارند لکن اگر آزاد و رها باشند گروه دوّم را که دارای پایه مذهبی سست و شخصیتی نسبی هستند، به جانب خود فرا می خوانند، تا برای رسیدن به مطلوب انحرافی خویش مزاحم کمتر داشته باشند.

این گروه باید به وسیله حاکمان دینی آزمایش شوند، اگر اشاعه فرهنگ حق در میان آنان، تذکر و تعلیم و تربیت درست و... سبب تنبّه و بیداری ایشان می شود به این روش ادامه دهند، تا آنجا که در جامعه اثری از این گروه نباشد و یا در اقلیت قرار گیرند تا این که نظارت و کنترل آنان آسانتر صورت گیرد و در صورتی که روش بالا به هیچ نحوی مؤثر واقع نشود. با نظر حاکم شرع وسایل و عواملی که بر فسادشان می افزاید و مغرور و گستاخشان کرده، گرفته شود. و حدود الهی بر آنان جاری گردد. زیرا برخی از ارتکاب فحشاء و فساد باز نمی ایستند مگر این که نقصی در اموال، مقام، اعتبار اجتماعی ایشان به وجود آید و یا آنگاه که ضربات شلاق بر بدنشان فرود آید و آزار جسمانی ببینند.

گروه اوّل به جهت داشتن شخصیت ثابت تحت تأثیر شایعات قرار نمی گیرند و قضاوتشان براساس عقل و دین است. نظامهای فاسد قادر نیستند رأی و عقیده آنان را از طریق ترفندهای فرهنگی و... عوض کنند، زیرا می دانند که آنچه شرع مقدّس بیان کرده، بر ملاک مصلحت فرد و اجتماع بوده است. و به همین جهت شایعات زشت و نامطلوب مربوط به ازدواج مؤخّل در آنان اثر منفی نگذاشته، و در دیدشان عملی زیبا و مورد رضایت خدا است و به وسیله

آن، عفت و عزت انسانی حفظ می گردد، و آگاهند که با رسم شدن چنین روشی جز فرد شقی، انحراف جنسی پیدا نمی کند. و آگاهند که دشمن شرف و عفت، راه صحیح و مشروع را می گیرد تا باطل را جایگزین کند. چنان که در دنیای امروز، معمول حکام جور و ستمگر است. اما گروه دوّم شایعه را زود می پذیرند. به همین جهت مُنکر با تبلیغات در نظرشان معروف گشته و معروف با شایعات منفی در نظرشان منکر جلوه می کند.

و در جامعه ما اکثر کسانی که ازدواج مؤجل را رد کرده و احیاناً آن را در ردیف زنا قرار می دهند، این گروه هستند و چه بسا تنفّری که از ازدواج منقطع دارند از زنا و روشهای نامشروع ارضاء غریزه جنسی ندارند.

تبلیغ درست و جایگزینی فرهنگ انسانی به جای فرهنگ جاهلی باعث می شود که بتدریج به شایعات منفی دشمن پی ببرند و به راه حق باز گردند. و ازدواج مؤجل را به عنوان قانون الهی (که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین(علیهم السلام) حلال شمرده اند) بپذیرند.

بر نظام جمهوری اسلامی است که علاوه بر ایجاد زمینه های مساعد برای ازدواج دائم جوان ها، این سنت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را با سازماندهی مطلوب عقل و شرع زنده کند، تا جلوی اقسام انحرافهای جنسی در جامعه گرفته شود. (۱)

ص: ۶۱

---

۱- (۱) - برای آگاهی تفصیلی از موارد استحباب و کراهت و نیز احکام متعه به کتب فقهی، رساله های علمیه، مراجع تقلید مراجعه شود. و اشخاصی که مجتهد نیستند به طور حتم باید به مرجع تقلید خود مراجعه کنند.

پیشگفتار

نگاه ابزاری به گزینه جنسی

گزینه جنسی و مرتبه انسانی ۱

گزینه جنسی و مرتبه انسانی ۲

گزینه جنسی و شخصیت انسانی

گزینه جنسی و فرهنگ

گزینه جنسی و جامعه و دولت

اهمیت ازدواج دائم

ازدواج مؤجل و مقام انسانی

ازدواج مؤجل و مردم

ص: ۶۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

